



# همه چیز فقط پول نیست

روایت مدیر دانش بنیانی که فناور زندگی هم است

مرتضی اسدزاده  
گفتگو

تاریکی و ناامیدی حس کرد. از کودکی پیانو می نواخت و انگشتان دستش برایش ارزش دیگری داشت. فکر اینکه دیگر توانایی نواختن پیانو ندارد آزارش می داد. تقلايش برای پیدا کردن جایگزینی برای انگشتان از دست رفته اش، او را به سمت طراحی و ساخت انگشت مکانیکی سوق داد. امید، تنها واژه ای است که زندگی امیر را نجات داد. ارتباطی که امیر با مراجعینش دارد مانند دیگر متخصصان ارتز و پروتز نیست. امیر از داخل دنیای معلولیت با آنها ارتباط می گیرد. با مشکلات فقر و قطع عضو آشناسات و این روند درمان را تسریع می کند. من چون با عمق وجودم قطع

سوژه های پیشرفت، آدم های منحصربه فردی هستند. جدای از مسائل فنی و دستاوردهای علمی و فناوری، زیست این افراد هم قابل تأمل است. امیر پایدارثانی مدیر شرکت بهبود عضو ثانی یکی از این سوژه ها است. با اینکه در شماره ۶ نشریه دانشمند روایتی از زندگی امیر روایت شده است، اما زاویه دیگری از زیست او برای عموم مردم و خوانندگان مجله قابل ارائه است. وقتی فهمیدم که در این شماره دانشمند قرار است روایت تعدادی دیگر از فناوران مرتبط با این حوزه را بخوانیم دیدم بد نیست من هم روایت های نگفته و جذاب ناگفته دیگری از فعالیت های این فناور عزیز کشورمان را روایت کنم.

حدود یک و نیم سال در رابطه با پروژه شرکت بهبود عضو ثانی با او در ارتباط بودم. تقریباً هفته ای یک بار با او قرار ملاقات داشتم. اتفاقاتی که در میان این رفت و آمدها رخ می داد جالب بود. امیر پایدارثانی به عنوان مخترع و تولیدکننده دست و بازوی مکانیکی و الکتریکی خودش زخم خورده معلولیت بود. سال ۸۹ که انگشتان دستش بر اثر حادثه ای توسط دستگاه برش قطع شد، خودش را درون دنیایی از

”

به آقای پایدار  
گفتم من پولی  
ندارم و ایشان  
گفت کی از شما  
پول خواست.  
پولی بابت  
پروتز دست از  
ما نگرفت و هر  
چه دادیم گفت  
خدا بدهد برکت